



● در آمد:

فتحی و پایه گذاری پیروزی...

گفتگوی شاهد یاران با دکتر حسن مکی، اندیشمند و استاد دانشگاه آفریقا - سودان

خصوصیت بارز شهید شقافی از نگاه دکتر حسن مکی، اندیشمند سودانی و استاد دانشگاه آفریقا، اولین نکته جذابی بوده است که موجبات آشنایی اش با این شهید بزرگوار را فراهم کرده است او بر این باور است که دکتر شقافی با تمام وجودش برای ایجاد وحدت و جبهه واحد بر علیه دشمنان اسلام در تلاش بود و زندگی خود را نیز در این راه ایثار کرد.

نسل معاصر اسلامی شاید به الگوپذیری و اسوه جدید نیاز نداشته باشد، زیرا با مراجعه به دوران زندگی پیامبر و خلفای راشدین و یادواره‌های درخشان اسلامی می‌توانند این الگوها را بیابند. شقافی الگوپذیری و اسوه خواهی را آسان نمود و در پایان قرن بیستم آن را تجلی بخشید.

فتحی، نشان داد چگونه فلسطینی عادی می‌تواند در هنگامه زندگی و انبوه مشکلات، خالصانه فداکاری کند. شقافی در قلب زندگی و اندیشه تمامی شهیدان جهاد اسلامی جای داشت. زیرا وی الگوی شهادت را احیاء نمود و تمامی رزمندگان - فرمانده و فرمانبر - به طور یکسان عاشق شهادت بودند. ولی رهبران این جنبش پیشتر از سربازان خود، در خط مقدم جبهه مبارزه با دشمن مبارزه می‌کردند. بر خلاف آنچه در جهان امروز می‌گذرد و سربازان همانند پیاده نظامیان در صحنه کارزار از پای در می‌آیند و فرماندهان این سربازان را بدون برنامه‌ریزی در تیررس دشمن قرار می‌دهند و خود آنان به دور از گورن مبارزه و آتش قرار می‌گیرند و نظاره‌گر مبارزه و جنگ سربازان خویش هستند و همانند شطرنج‌بازان، مهره سرباز پیاده را به حرکت در می‌آورند و از کیش شدن آن هیچ احساس و عاطفه‌ای در وجود آنان برانگیخته نمی‌شود.

چگونه در خون غلطیدن سربازان، احساسات آنان را برانگیخته گرداند در حالی که خود را خدا و راه می‌انگارند و سربازان را پیاده نظامیان و یامزدورانی که به خاطر مشتی بول می‌چنگند که مرگ تنها سرنوشت حتمی آنان است و یا سربازان را پس از آموزش و استحاله شخصیت، براننده اجرای دستورات می‌دانند و بس!! و چه تفاوت شگفت‌انگیزی میان مرگ سرباز پیاده نظام که پس از استحاله شخصیت وی به کام مرگ برده می‌شود و مجاهد فداکاری که آگاهانه وارد کارزار و مبارزه می‌گردد و به خوبی می‌داند که پایان این مبارزه مرگ است. او مرگ را با رضامندی و درک آگاهانه برمی‌گزیند، زیرا مرگ و یا هنر مرگ برتر از زندگی آسوده است. چون هنر مرگ زندگی جدید در سینه دم‌نوبنی برای دوستداران حق می‌آفریند

حال چگونه است دوستداران عشق می‌خواهند خود را از فشار شهوت جسمانی و مادیات رها کرده و به جهان حق و بهشت برین به پرواز در آیند و این نشانه را در چهره شهید که شادابی در آن موج می‌زد، دیدیم و از خود پرسش کردم، شگفتان این چه شادابی است و امدادهای غیبی چگونه در چهره او تالگو می‌کند. به درستی که این درخشش از امدادهای روح و امدادهای شهادت است.

تا ابدیت درود خداوند بر توای شقافی. ■

هم‌زمان جوان و مکتبی و ارزشمند او را پیگیری می‌کردم. این جوانان که کام‌های استوار خود را بر زمین مبارزه نهاده و اندیشه‌ها و سرهای خود را در مسیر ساختن تاریخ و به سوی آسمان‌ها بالا نگاه داشته‌اند.

شگفت‌زده نشدم زمانی که خبر شهادت فتحی را شنیدم. ولی تعجب نمودم چگونه وی در میان توطئه‌های دشمن که پی در پی طراحی و به اجرا در می‌آمد قرار گرفت و چگونه در جهانی که خفقان آمیز بود، تنفس می‌نمود و چگونه راه خود را در انبوهی از شکست‌ها و محاصره‌های اندیشه‌ها، طی می‌کرد، در حالی که دستگاه‌های جاسوسی دشمن و حتی نیروهای امنیتی حاکم بر امت ما تمامی جزئیات زندگی ما را کنترل می‌کنند! شاید برای شعار زندگی خود که گفته بود «اگر ضربه سهمگین فرود آید، سر خود را فرود نخواهم آورد»، شهید همواره سر خود را بالا می‌گرفت و چه کسی باور می‌کند که رهبر جنبش مسلحانه که مبارزه با اسرائیل را در سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داده، عازم مأموریتی گردد و با خود حتی یک همراه یا محافظ نیابد؟

آیا تصور نمی‌کنید که در صورت رعایت هر چه بیشتر جوانب امنیتی می‌شد از چنین ضایعه بزرگی پیشگیری کرد؟ شهید به خوبی می‌دانست که بر روی میدان مین کام گذاشته و نیک می‌دانست که روی یکی از این مین‌ها کار گذارده شده منفجر می‌گردد. ولی این توطئه را در محاسبات خویش قرار نمی‌داد. زیرا می‌دانست که اگر این توطئه به اجرا در آید، پیشتر از آن جدید فلسطینی راه مبارزه را از صفر شروع خواهند نمود و آنان راهی جز فداکاری و حماسه آفرینی در پیش رو ندارند. شاید تقدیر الهی چنین گردد تا از لایلای حماسه آفرینی و فداکاری وی معجزه‌ای روی دهد.

شهر شهید شقافی



شهید فتحی شقافی، نشان داد چگونه فلسطینی عادی می‌تواند در هنگامه زندگی و انبوه مشکلات، خالصانه فداکاری کند.

لطفا در مورد زمان و چگونگی آشنایی خود با شهید شقافی بگویید.

به درستی نمی‌دانم کی و چگونه با شهید دکتر فتحی شقافی آشنا شدم. ولی آنچه به یاد دارم این است که آن زنده یاد بارها به منزل مادر المعموره رفت و آمد می‌کرد و با یکدیگر درباره اوضاع سودان و آینده و سرنوشت فعالیت‌های اسلامی و اوضاع مصر و به ویژه تحولات فلسطین - که زندگی خود را در این راه ایثار کرد - بحث و گفت‌وگو می‌کردیم. در حین مذاکرات پی‌بردم که وی پزشکی است و هم‌سن من می‌باشد که در زق‌زایق تحصیل کرده و پس از آن رشته پزشکی را رها نمود و به معالجه دردهای جامعه و سرنوشت آن روی آورده است و راه مصلحین و مجاهدین و پرهیزکاران و رزمندگان را در پیش گرفته است.

فتحی با صدایی آهسته ولی استوار سخن می‌گفت، در چهره و بیانش تأمل می‌کردم و با خود می‌گفتم چگونه است که بدن انسانی می‌تواند روح بزرگ او را در خود جای دهد!! دیدارها ادامه یافت و به دیدار وی در منزلش در دمشق شتافتم و از خود این پرسش را نمودم، چه چیزی باعث گردید تا این فلسطینی متخصص امور پزشکی، شغل خود را رها کند و با فلسطین ازدواج نماید؟ - آن هم با مهریه‌ای گران‌بها - مهریه جان و مال و آینده. چرا این راه سخت و دشوار و پرمخاطره را آن هم در این شرایط دشوار برگزید. در حالی که می‌توانست همانند دیگران زندگی آرامی داشته باشد. مطب خود را باز نموده و به زن و فرزندانش رسیدگی نماید و مقداری به مسائل جامعه توجه نماید؟

برگزیدن راه جهاد و شهادت براننده و در شأن شخصیت‌های استثنایی تاریخ است و خداوند متعال آنان را برگزید تا ناهنجاری‌های جامعه و سرنوشت مردم را مورد رسیدگی قرار دهند و این شخصیت‌ها سیر تاریخ را ترسیم می‌کنند زیرا آنها با چنگ و دندان سیر تاریخ را حک می‌کنند تا خون از صخره‌ها بیرون آید و سنگ انعطاف یابد.

آخرین بار کی و کجا با شهید شقافی ملاقات کردید؟ سرنوشت چنین مقدر گردید تا هم سفر وی از خارطوم به لیبی باشم. در مالت بین اهمیت و جایگاه فتحی و موقعیت خود موازنه‌ای برقرار ساختم و کلید اتاق او را گرفته و کلید خود را به وی تسلیم نمودم و با خود گفتم که فتحی در شرایط حساس و احتیاط آمیزی قرار دارد و یک روز هم مانند یک مجاهد فلسطینی که مورد تعقیب نیروهای امنیتی صهیونیستی است زندگی کن. سپس به لیبی سفر کرد و از یکدیگر جدا شدیم. پس از آن سفر، اخبار فعالیت‌های شهید فتحی و دیگر